

بررسی اجمالی بر مدارس اسلامی در قرن های ۹ تا ۱۵

فرشاد راوند^۱، منیب نوری^۲

^۱ دانشجوی دوره کارشناسی آموزش ریاضی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مدرس سنندج، کردستان، ایران
^۲ دانشجوی دوره کارشناسی آموزش ریاضی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مدرس سنندج، کردستان، ایران

چکیده

در مورد تجارب مدارس اسلامی در قرن های ۹ تا ۱۵ هجری قمری، مدارس اسلامی به عنوان مراکز آموزشی و فرهنگی در جوامع اسلامی نقش بسیار مهمی داشتند. این مدارس به عنوان مراکزی برای آموزش علوم دینی، علوم فلسفی و علوم عملی مانند حسابداری، پزشکی و فنون و صنایع مختلف شناخته می شدند. در اوایل قرن ۹ هجری قمری، مدارس اسلامی به شکل نهادهای آموزشی و تحقیقاتی رسمی شکل گرفتند. این مدارس تحت حمایت و پشتیبانی امپراتوری ها و حکومت های اسلامی قرار گرفتند و دانش پژوهان و دانشجویان از تمامی نقاط جهان اسلامی به این مدارس مهاجرت می کردند. در طول قرن های ۹ تا ۱۵ هجری قمری، مدارس اسلامی به مراکزی برای ترجمه، تحقیق و تدریس علوم مختلف مانند علوم قرآنی، حدیث، فقه، کلام، فلسفه، علوم طبیعی و ریاضیات تبدیل شدند. این مدارس توانستند ارزشمندترین آثار فرهنگی و علمی را در اوج خود به دست آورند و به نوعی به صاحبان آن اموال فکری این دوران محسوب شوند. مدارس اسلامی در قرن های ۹ تا ۱۵ هجری قمری نقش بسیار مهمی در حفظ و گسترش دانش و فرهنگ اسلامی داشتند و به عنوان مراکزی برای تبادل دانش و فرهنگ در جهان اسلامی شناخته می شدند. مقاله حاضر با یک نگاه تحلیلی قصد دارد تجاربی که مدارس اسلامی در این بازه زمانی کسب کرده را مورد ارزیابی قرار دهد.

کلید واژه ها: تجارب مدارس، ترویج فنون، مراکز آموزشی، مدارس اسلامی.

مقدمه

تاریخ مدارس اسلامی در قرن های ۹ تا ۱۵ هجری قمری، یکی از موضوعات مهم و جذاب در تاریخ اسلامی است که نشان‌دهنده‌ی پیشرفت و توسعه‌ی علمی و فرهنگی در این دوره‌های زمانی است. این مدارس، نه تنها مکانی برای آموزش و یادگیری دینی و علمی بودند، بلکه مراکزی برای ترویج ایده‌ها و ارزش‌های اسلامی بودند که از تأثیرات بسیاری بر جوامع و فرهنگ‌های مختلف برخوردار بودند. در این مقدمه، قصد داریم به بررسی تجارب مدارس اسلامی در قرن های ۹ تا ۱۵ هجری قمری بپردازیم و نگاهی دقیق به نقش و اهمیت این مدارس در انتقال علم و دانش، حفظ و ترویج ارزش‌های اسلامی، و تأثیرات آن‌ها بر جوامع مختلف داشته باشیم. به عنوان مثال، مدارس اسلامی در این دوره‌ها نقش مهمی در ترجمه و انتقال آثار علمی و فلسفی یونانی و ایرانی به زبان عربی داشتند که این امر تأثیر گذاری عمیق بر توسعه علوم و فنون در دنیای اسلامی داشت. همچنین، مدارس اسلامی در این دوره‌ها برای حفظ و ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی اسلامی نیز بسیار مهم بودند. آموزش و تربیت نسل جوان با اخلاق و ارزش‌های اسلامی، از دیگر وظایف این مدارس بود که تأثیرات بسیاری بر جوامع آن دوره داشت. با توجه به این نکات، در این مقاله قصد داریم به بررسی تجارب مدارس اسلامی در قرن های ۹ تا ۱۵ هجری قمری بپردازیم و نقش و اهمیت این مدارس را در توسعه علم و فرهنگ اسلامی به خوبی بررسی کنیم. مدرسه به‌عنوان مکانی تجربه می‌شود که در آن یک دانش‌آموز دگرگون می‌شود و در تماس با شیوه‌های مدرسه، روابط و دانش قرار می‌گیرد - یا در خطر تبدیل شدن به آن است. این به عنوان محلی نشان داده می‌شود که در آن فرآیند فرهنگ پذیری رخ می‌دهد که کودک را از محیط زبانی، فرهنگی و مذهبی خانواده و اجتماعی دور می‌کند. همانطور که در مقالات مختلف نشان داده شده است، این دگرگونی‌ها یا این بلوغ خود اغلب به عنوان تهدیدی برای ماندگاری خود هویت تجربه می‌شوند. دولت‌ها در مدرسه به عنوان وسیله‌ای برای تضمین و تداوم یکپارچگی هویت ملی و دور نگه داشتن هویت‌های متمایزی که می‌تواند از آنها فرار کند، سرمایه‌گذاری می‌کنند. در همین حال، جوامع مدرسه را به عنوان یک دستگاه دولتی تلقی می‌کنند که یکپارچگی و تداوم هویت منحصر به فرد آنها را تهدید می‌کند، به طوری که آنها به طور همزمان در اشکال دیگر آموزش به عنوان تعادل سرمایه‌گذاری می‌کنند. (پلگرینی، ۲۰۲۳)؛ بنابراین مدارس در جوامع اسلامی نیز یک نیاز اساسی محسوب شده و دارای تجارب مختلفی است که در ارتباط با دیگران جوامع و ملت‌ها به دست آمده است. تجارب مدارس اسلامی در قرن های ۹ تا ۱۵ هجری قمری نقش مهمی در ترویج علوم اسلامی و تربیت نسل جوان داشتند. در این دوره، مدارس اسلامی به عنوان مراکزی برای آموزش علوم دینی و علوم عقلی مورد استفاده قرار گرفتند و تأثیرات عمیقی در افکار و فرهنگ جامعه اسلامی متاثر شدند. این مدارس با تأکید بر تعلیم و تربیت اخلاقی و دینی، به آموزش علوم اسلامی، ادبیات، فلسفه، علوم طبیعی و ریاضیات می‌پرداختند. همچنین، در این مدارس، معلمان و دانش‌آموزان مسلمان به صورت یک انجمن علمی و فرهنگی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند و تجربیات و دانش خود را به یکدیگر منتقل می‌کردند. این مدارس با تأکید بر تفکر و تحقیق، به گسترش دانش و ترویج فرهنگ علمی و انسانی در جوامع اسلامی کمک کردند. این تجربه‌ها در ادامه تأثیرات بسیاری بر روی تاریخ و فرهنگ جهان اسلام داشته و همچنان نقش مهمی در تاریخ اندیشه و علم دارند.

روش تحقیق: روش تحقیق در این مقاله به صورت مروری بود و از مقالات و منابع مرتبط استفاده شده است.

بیان مسئله (یافته‌ها)

از صدر اسلام میان دین و دانش، پیوستگی و رابطه‌ای مستقیم پدید آمد و مکانی یکسان برای آموزش و تبلیغ دین ایجاد گردید و می‌توان گفت که آموزش مهمترین کاربرد ثانویه مسجد در چهار سده نخست اسلامی بوده است. با ورود اسلام به ایران، شکوفایی دانش و توجه به امر آموزش افزایش یافته و مراکز علمی و آموزشی بسیاری پدید آمد. (احمدی مقدم، گلجان و یلفانی، ۱۴۰۰). مدارس اسلامی از قرن‌های مختلف تا به امروز در جوامع اسلامی برای آموزش و تربیت دانش‌آموزان به کار می‌روند. این مدارس از نظر ساختارها، مفهوم آموزشی و فرآیندهای آموزشی متنوعی را شامل

می‌شوند. در زیر به تجربه‌های برخی از مدارس اسلامی پرداخته خواهد شد. حوزه‌های علمیه در جوامع اسلامی از قرون میانه تأسیس شده‌اند و به طور عمده در آموزش و تربیت علمای دینی و اسلامی نقش داشته‌اند. در این مدارس، دروسی مانند تفسیر، حدیث، فقه، عقاید و منطق علمی نهادینه می‌شوند. دانشجویان در هر صدر علمی با مراجع تقلید مرتبط می‌شوند و مفاهیم دینی و فقهی را از طریق مطالعه کتب و درس خواندن با استادان تجویز کننده یاد می‌گیرند. در بسیاری از کشورهای اسلامی، مدارس دینی عمومی وجود دارند که به عنوان مکمل به مدارس عمومی عمل می‌کنند. در این نوع مدارس، علاوه بر دروس عمومی همانند ریاضیات و علوم، دروسی مانند قرآن، عقاید اسلامی، فقه و اخلاق به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود. این مدارس تلاش می‌کنند همزمان با ارائه تحصیلات علمی، ارزش‌ها و اصول دینی را در کنار آموزش علمی به دانش‌آموزان انتقال دهند. برخی مدارس اسلامی به عنوان مدارس تربیتی دینی شناخته می‌شوند که هدف اصلی آن‌ها تربیت دانش‌آموزان با تأکید بر ارزش‌ها و اصول دینی است. در این مدارس، دروسی مانند زندگی نامه ائمه و پیشوایان، اخلاق اسلامی، تاریخ اسلام و نماز و عبادات به دانش‌آموزان آموخته می‌شود. هدف این مدارس ارائه یک محیط آموزشی دینی و معنوی برای تربیت نسلی متعهد به اصول دینی است. در برخی کشورها، مؤسسات تربیتی مذهبی برای آموزش و تربیت دینی دانش‌آموزان و محققان روحانی تأسیس شده‌اند. این مؤسسات شامل دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، موسسات فقهی و تصوفی و دانشکده‌های علوم دینی می‌شوند. این مؤسسات تمرکز خود را بر فهم عمیق و پژوهش در علوم اسلامی قرار می‌دهند و به دانش‌آموزان و دانشجویان امکان تعلم و تحقیق درباره اسلام و اصول دینی را می‌دهند. تجارب مدارس اسلامی بسته به محیط فرهنگی، تاریخ و تقالید کشورها متنوع است؛ اما هدف اصلی تمامی این مدارس، ارائه آموزش و تربیتی مبتنی بر ارزش‌ها و اصول اسلامی است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا علاوه بر کسب دانش علمی، ارتباط نزدیکی با معانی و ارزش‌های دینی داشته باشند.

در قرن‌های ۹ تا ۱۵ هجری، مدارس اسلامی یک نقش بسیار مهم در تحصیلات و فرهنگ اسلامی داشتند. این مدارس به عنوان مراکز آموزشی و تربیتی برای ترویج علوم اسلامی و عربی، فلسفه، حقوق اسلامی و علوم دیگر مورد توجهی قرار می‌گرفتند. در این مدارس، مردم و علمای مسلمان آموزش می‌بینند و به عنوان مراکزی برای تدریس و ترویج علوم اسلامی و فلسفه عربی شناخته می‌شدند. در این دوره، چندین نوع مدرسه و نظام آموزشی وجود داشت. مدرسه‌های حوزوی: این مدارس بیشتر در ایران، عراق و سائر نواحی شیعی وجود داشتند. آموزش در این مدارس به عنوان یک سلسله مراتبی انجام می‌شد و دانشجویان از سطوح مبتدی تا پیشرفته پیش می‌روند. در حوزه‌ها، دروس مرتبط با علوم اسلامی شامل تفسیر قرآن، حدیث، فقه، اصول، عرفان و منطق آموزش داده می‌شد. در قرن ۹ تا ۱۵ هجری، مدارس حوزوی در جوامع اسلامی نقش بسیار مهمی را در تحصیلات و فرهنگ اسلامی ایفا می‌کردند. این مدارس به عنوان مراکز آموزشی و تربیتی برای ترویج علوم اسلامی و عربی، فلسفه، حقوق اسلامی و علوم دیگر مورد توجهی قرار می‌گرفتند. مدارس حوزوی عمدتاً در مناطق شیعی، به ویژه در ایران و عراق، فعالیت می‌کردند. بدیهی است که مدارس اسلامی یک پدیده جدید در چشم انداز آموزشی است. مدارس اسلامی نسبتاً ناشناخته برای عموم مردم و همچنین جهان دانشگاهی است. (هدی، ۲۰۰۶). آن‌چنان که گذشت، اولین حلقه‌های علمی در جهان اسلام، در مساجد برگزار می‌شد؛ سپس با رشد و توسعه علم در جهان اسلام، در کنار مساجد، دانش سراها تأسیس شدند. ابن خلدون در کتاب مهم خود با نام مقدمه سیر تکامل سیستم آموزش و پرورش را در نقاط مختلف جهان اسلام تشریح می‌نماید. (مقدمه ابن خلدون ج ۲ ص ۱۴۳).

مدارس حوزوی به صورت یک سلسله مراتبی عمل می‌کردند و دانشجویان در آن به تدریج از سطوح پایه تا پیشرفته پیش می‌روند. معمولاً شاگردان با زیر نظر استادان مورد تحصیل قرار گرفته و از تدریس آن‌ها بهره می‌برند. در حوزه‌ها، علوم اسلامی اصلی شامل تفسیر قرآن، حدیث، فقه، اصول، عرفان و منطق تدریس می‌شد. همچنین، علوم غیردینی مانند عربی، سیر و سیاست، ریاضیات، هندسه، طبیعیات و شیمی نیز در بعضی از حوزه‌ها آموزش داده می‌شد. مدارس حوزوی اغلب به صورت بزرگترین مراکز آموزشی و فرهنگی در شهرهای مذهبی یا علمی بودند. هر حوزه دارای ساختار سازمانی خود بود که شامل یک مدیر (معروف به شیخ الحوزه)، اساتید، دانشجویان، و کارکنان دیگر بود. تدریس در حوزه‌ها به صورت نمایشی و مقدمه ای

(سمبلیک) بود. استادان با تدریس کتب مرجع و منابع اصلی، به دانشجویان آموزش می‌دادند و مدیریت بر مبتدی و پیشرفته شاگردان برعهده مدیر مدرسه بود. استادان معمولاً از پنج حوزه علمی جنبه آموزشی نیاز دانشجویان را تامین می‌کردند. در مدارس حوزه‌ها بیشتر به تفسیر قرآن و حدیث، فقه، اصول و عرفان توجه می‌شد. برخی از حوزه‌ها نیز به تدریس علوم طبیعی و فلسفه می‌پرداختند، اما در کل، این مدارس تمرکز بیشتری بر روی علوم اسلامی داشتند. مدارس حوزوی در قرن ۹ تا ۱۵ هجری مکان‌هایی برای انتقال علم و فرهنگ اسلامی به نسل جوان بودند و تشکیلات مرکزی برای ترویج مدرنیته در علوم اسلامی به حساب می‌آمدند. این مدارس علاوه بر ارائه آموزش، به ترویج مقالات، پژوهش‌ها و بحوث علمی نیز می‌پرداختند و دانشجویان را برای شغل‌های علمی و دینی آماده می‌ساختند. یکی از دلایل اصلی والدین برای فرستادن فرزندان خود به یک مکتب اسلامی این بود که محیط اسلامی برای آنها فراهم کند. تا اخلاق، رفتار و اعمال اسلامی را یاد بگیرند. آنها معتقد بودند که برای بچه‌هایشان خوب است. (هدی، ۲۰۰۶). مدارس مشروطه (Madrasah): این مدارس در مناطق سنی و شیعی و در سراسر جهان اسلام تشکیل می‌شدند. در آنها، دوره‌های آموزشی متنوعی ارائه می‌شد و شامل آموزش علوم اسلامی، حقوق اسلامی، فلسفه، عربی، ریاضیات و علوم طبیعی می‌شد. در طول قرن‌های ۹ تا ۱۵ هجری، مدارس اسلامی به چند دسته تقسیم می‌شدند. یکی از این مدارس، مدارس مشروطه (مدارس مطلقه نیز نامیده می‌شدند) بود. مدارس مشروطه، مکان‌های آموزش علوم اسلامی بودند که در آنها آموزش و پرورش علوم اصولی (عربی، فقه، حدیث و علوم الهیاتی) متمرکز بود. این مدارس بعد از دوران ضعف دولت‌های اسلامی و فروپاشی امپراطوری‌های عباسی و سامانی، ظهور یافتند و نقش بسزایی در نگهداری و آزادی علم و دانش داشتند. مشروطه به معنی شرطی بودن است و به دلیل شرایط سیاسی-اجتماعی و تصاحب قدرت توسط علما و عرفانیون، این مدارس نسبت به دولت‌های اسلامی مشروط بودند و از کنترل شامل حاکمان بیرونی خود دفاع می‌کردند. بیشتر این مدارس زیر پوشش یک شیخ و مراجع تقلید به عنوان رهبر دینی و تأثیرگذار بودند. در مدارس مشروطه، عمدتاً علوم شرعی، عربی، تفسیر قرآن و حدیث، فلسفه اسلامی و منطق یاد داده می‌شد. برخی از مدارس مشروطه نیز علاوه بر این دروس، علوم عمومی مانند ریاضیات، طبیعیات، شیمی و فیزیک را هم در بر می‌گرفتند. در برخی مدارس بزرگ مشروطه، متخصصان مطرحی در زمینه‌های علوم طبیعی و ریاضیات به تدریس پرداختند و دانشجویان از این تخصص‌ها بهره‌برداری می‌کردند. این مدارس علاوه بر جهت دادن و آموزش علمی، به نقش اجتماعی مهمی هم در جامعه اسلامی داشتند. آنها به عنوان مراکزی برای ترویج ارزش‌های مهم اسلامی، تقویت هویت اسلامی و پرورش رهبران دینی در جامعه شناخته می‌شدند. مدارس مشروطه به دلیل تأثیر و قدرت علما و عرفانیون و جایگاه اجتماعی و فرهنگی آنها، به مراکزی برای حفظ و نگهداری دانش و افزایش سطح تحصیلات در بین جامعه اسلامی تبدیل شدند و در برخی از کشورهای اسلامی، این نظام آموزشی تا به امروز ادامه داشته است. در واقع جهان اسلام بر جهان اروپا تأثیر مستقیمی داشته است. اروپای قرون وسطی یک چارچوب ذهنی صرفاً خصمانه یا غارتگرانه نسبت به جهان اسلام نداشت. او نه تنها ترس و تعصب دارد، بلکه کنجکاو و جذابتی نیز برای اتفاقاتی که در آن سوی مرز مذهبی می‌افتد دارد. (بوعلی، میشل و دومینیک ۲۰۱۳). این مدارس معمولاً به صورت کتابخانه‌های عمومی با کتاب‌های علمی و فلسفی و پژوهشی در خدمت برای مدرسین و دانشجویان بودند. در طول قرن‌های ۹ تا ۱۵ هجری، مدارس کتابخانه‌ای نیز در میان مدارس اسلامی وجود داشتند. این مدارس به عنوان مکان‌هایی برای مطالعه، تحقیق و دسترسی به منابع علمی و کتب مورد نیاز در علوم اصولی و علوم عمومی، مورد استفاده علما، دانش‌آموزان و اهالی علم اسلامی قرار می‌گرفتند. توانیم این استفاده از علوم انسانی را به عنوان یک اثر مسیری واحد تفسیر کنیم، در غیر این صورت ما منافع استراتژیک آن را از دست خواهیم داد. بسیج انسان‌شناسی یا فلسفه امکان به چالش کشیدن دیدگاه اروپا محور شرق‌شناسی را فراهم کرد. (بریسون، ۲۰۰۹).

مدارس کتابخانه‌ای، معمولاً در محله‌های علمی و فرهنگی بزرگترین شهرها و بین شهرها ساخته می‌شدند. آنها دارای کتابخانه‌های بزرگی بودند که در آنها تعداد زیادی از کتب و منابع اسلامی و علمی در دسترس قرار می‌گرفتند. اغلب این کتابخانه‌ها دارای مجموعه‌های گسترده‌ای از کتب و نسخ خطی قدیمی بودند. در مدارس کتابخانه‌ای، در علاوه بر دسترسی به

کتابخانه، برنامه‌های آموزشی نیز برگزار می‌شد. این برنامه‌ها شامل خواندن و تفسیر کتب، بحث و بررسی تخصصی در مورد مباحث علمی و اسلامی، نوشتن مقالات و تحقیقات علمی بود. امکان برگزاری کلاس‌ها و سمینارها در مورد علوم اسلامی و تفسیر قرآن نیز در این مدارس وجود داشت. کاربران مدارس کتابخانه‌ای، در اکثر مواقع شامل علما، دانش‌آموزان پیشرو، پژوهشگران و دانشمندان برجسته بودند. آنها از کتابخانه و منابع موجود برای تحقیق، تدریس و ترویج علوم اسلامی استفاده می‌کردند. همچنین، طلاب (دانشجویان اسلامی) نیز به منظور تسهیل درخواست خواندن کتب، یا تحقیق در مورد مباحث علمی و شرعی، به مدارس کتابخانه‌ای مراجعه می‌کردند. مدارس کتابخانه‌ای تأسیسات بسیار بزرگ و مهمی در جامعه‌های اسلامی بودند. آنها نه تنها به عنوان مراکز برای انتشار و پاشش دانش علمی و اسلامی اقدام می‌کردند، بلکه مظاهر اقتدار و قدرت فرهنگی و علمی هر شهر و منطقه را نیز معرفی می‌کردند.

مدارس صوفیانه متعلق به فرقه‌های صوفی است که به آموزش عرفانی و روحانی می‌پرداختند. این مدارس به عنوان مراکز غزل و مدیحه سرایی و آموزش عرفان و تصوف بودند. در طول قرن‌های ۹ تا ۱۵ هجری نیز، مدارس صوفیانه یا خانقاه‌ها در جوامع اسلامی شکل گرفتند. این مدارس به عنوان مراکز فرهنگی و مذهبی برای تعلیم و تربیت صوفیان (صوفی‌گران) و عاملین محبت و عشق به الله در این زمان وجود داشتند. مدارس صوفیانه معمولاً توسط رهبران صوفی و عارفان برجسته نظارت می‌شدند. این رهبران اسلامی نقش‌های استاد، مربی و راهنمای روحانی را بر عهده داشتند و دانش‌آموزان خود را در تمامی جوانب علمی، معنوی و روحانی آموزش می‌دادند. به طور کلی، مدارس صوفیانه دارای ساختارها و فعالیت‌های مختلفی در خود بودند که شامل موارد زیر می‌شوند.

تعالیم صوفی: مدارس صوفیانه به دانش‌آموزان خود تعالیم و مفاهیم صوفی را آموزش می‌دادند. این عقیده متمرکز بر نزدیکی و رابطه مستقیم با الله بود و تلاش برای رسیدن به صفات الهی و تجربه مستقیم از الهیات را هدف قرار می‌داد.

عرفان و تصوف: مدارس صوفیانه بر آموزش عرفان و تصوف تمرکز داشتند. دانش‌آموزان به روش‌های معرفت‌شناسی و تمرینات معنوی مانند ذکر و مدیتیشن آموخته و تلاش می‌کردند تا به منازل روحانی بالاتر برسند.

روحانیت و عبادت: مدارس صوفیانه به طرز ژرف در تقوا، عبادت و کرامت‌های عبادی تربیت می‌کردند. دانش‌آموزان در عین حال آموزش علوم اساسی دینی مانند تفسیر و حدیث، به صورت مداوم درگیر عبادتات روزمره و عبادات اخلاقی و روحانی مانند صوم، صلوات، تلاوت قرآن و دعا بودند.

طب و علاج با نبوت: در برخی مدارس صوفیانه، تعلیم و آموزش درباره طب سنتی و علاج با نبوت نیز انجام می‌شد. صوفی‌گران به عنوان پزشکان روحانی شناخته می‌شدند و با استفاده از طب هماهنگی بین بدن و روح را ترویج می‌کردند. تجارب مدارس اسلامی در بازه زمانی قرن ۹ تا ۱۵ تأثیرات گسترده‌ای بر دیگر جوامع داشت. این مدارس به عنوان مراکز مهمی برای انتقال دانش، فرهنگ و علم به نقاط مختلف جهان اسلامی محسوب می‌شدند و تأثیرات آن‌ها به ابعاد مختلفی از جامعه‌ها می‌رسید. یکی از تأثیرات اصلی این مدارس، انتقال دانش و علم به دیگر جوامع بود. مدارس اسلامی به عنوان مراکز تحصیلی و تربیتی برای دانش‌آموزان از سراسر جهان اسلامی محسوب می‌شدند. این مدارس مکانی بودند که دانش‌آموزان می‌توانستند مفاهیم دینی و عصرانه را یاد بگیرند و با دانشمندان و محققان برجسته ارتباط برقرار کنند. همچنین، مدارس اسلامی در انتقال ارزش‌های اسلامی نقش بزرگی داشتند. دانش‌آموزان در این مدارس علاوه بر یادگیری مباحث علمی و فنی، با اصول دینی و اخلاقی اسلامی نیز آشنا می‌شدند و این ارزش‌ها به دیگر جوامع هم منتقل می‌شدند. همچنین، این مدارس به ارتقای سطح تحصیلات و آموزش در جوامع مختلف کمک کردند. با استفاده از تجربیات و دانش این مدارس، دیگر مؤسسات آموزشی نیز ایده‌ها و روش‌های آموزشی بهتر و موثرتری را دریافت و به کار گرفتند. در مجموع، تجارب مدارس اسلامی در بازه زمانی قرن ۹ تا ۱۵ تأثیرات گسترده‌ای بر دیگر جوامع اسلامی و غیراسلامی داشتند و به ارزش‌ها، دانش و فرهنگ انسانی بهبود و ارتقا دادند.

تقویت ارتباطات اجتماعی: مدارس صوفیانه به عنوان مراکز فرهنگی و مذهبی، جامعه صوفیان را تحت پوشش خود قرار می‌دادند و باعث تعاملات اجتماعی بین صوفیان شد. این مدارس به عنوان نقاط گردهمایی مذهبی و مراسمی نظیر زندگانی مشترک، مراسم دینی و اجتماعی مانند نماز جمعه، مولودی خوانی و سماع بودند. در مجموع، مدارس صوفیانه حوزه آموزش و تربیت صوفیان را بر عهده داشتند و در طول قرن‌های ۹ تا ۱۵ هجری، نقش مهمی در انتقال عرفان اسلامی و تعالیم صوفی به نسل‌های بعدی داشتند. به غیر از چند مورد، این یک تقسیم بندی سفت و سخت از کار علمی است که غالب است. (بریسون، ۲۰۰۹). در قرون ۹ تا ۱۵ هجری، مدارس اسلامی به عنوان مراکزی از آموزش و تربیت در جوامع اسلامی فعالیت می‌کردند. در این دوره زمانی، مدارس اسلامی تلاش می‌کردند تا مجموعه‌ای گسترده از علوم را به دانش‌آموزان ارائه دهند. در این دوره، علوم دینی از جمله علوم قرآن، تفسیر، حدیث، فقه و عقاید به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شد. دروس قرآن و تفسیر قرآن نیازهای موجود در حوزه‌های علمیه را برطرف می‌کردند. همچنین، دروس حدیث و فقه برای آموزش احکام و مسائل مرتبط با عملیات عبادی به کار می‌رفتند. علاوه بر این، تدریس عقاید اسلامی و منطق علمی در برنامه آموزشی مدارس اسلامی جایگاه داشت. ریاضیات در قرون ۹ تا ۱۵ هجری به عنوان یکی از علوم مهم در مدارس اسلامی مطرح بود. دروس مانند حساب، جبر، هندسه و آمار به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شد. ریاضیات در مدارس اسلامی علاوه بر کاربردهای عملی، هدف اصلی اش تقویت تفکر منطقی و ارایه نظریه‌ها و اصول دقیق بود. در قرون میانه، آموزش علوم طبیعی از جمله علوم مانند فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی نیز در برخی مدارس اسلامی ارائه می‌شد. با توجه به تأکید اسلام بر قدرت خداوند در آفرینش آفاق و ارض، مطالعه و تدریس علوم طبیعی در برخی مدارس اسلامی در این دوران مورد توجه قرار می‌گرفت. مطالعه ادبیات عربی و ادبیات اسلامی، همچنین تاریخ و جغرافیا نیز از رشته‌های درسی برجسته در مدارس اسلامی در این دوره بودند. دروس اجتماعی نیز با هدف خدمت به جامعه و بررسی مسائل مربوط به اجتماع و اقتصاد در برنامه آموزشی مدارس اسلامی جای داشتند. مدارس اسلامی در این دوره، به طور کلی سعی داشتند تا از طریق آموزش علوم متعدد، دانش‌آموزان را به طور کامل و گسترده تربیت کنند. این علوم بر اساس ارزش‌ها و اصول دینی تدریس می‌شدند تا دانش‌آموزان به علاوه از دانش علمی، اصول و مفاهیم دینی را نیز درک کنند و در زندگی روزمره‌شان از آن‌ها بهره ببرند. این مدارس با ترکیب علوم دینی، عرفان و علوم عمومی، محفلی اجتماعی برای رشد روحانی صوفیان و شاگردان خود فراهم می‌کردند. در این دوره، تقریباً هر شهری دارای یک یا چند مدرسه اسلامی بود و مدارس اسلامی به عنوان مکان‌هایی مرموز و محترم شناخته می‌شدند. هر مدرسه دارای یک مدیر بود که مسئولیت سازماندهی و رهبری آموزش را برعهده داشت. این مدارس به عنوان مراکزی برای انتقال علم و فرهنگ اسلامی به نسل‌های آینده و ایجاد یک اصل واحد در پژوهش و آموزش در اسلام عملکرد می‌کردند. در قرون ۹ تا ۱۵، مدارس اسلامی تأثیرات بسیار قابل توجهی بر دیگر جوامع و فرهنگ‌ها داشتند. این مدارس به عنوان مراکزی برای یادگیری دین، علوم و هنرهای مختلف در جوامع اسلامی و غیر اسلامی شناخته می‌شدند و تأثیرات بزرگی بر آن‌ها داشتند. یکی از تأثیرات مهم مدارس اسلامی در این دوره، انتقال دانش و علوم از جوامع اسلامی به جوامع دیگر بود. این مدارس به عنوان مراکزی برای یادگیری علوم ریاضی، فلسفه، منطق، علوم طبیعی و پزشکی شناخته می‌شدند و دانشمندان و دانشجویان غیر مسلمان نیز به این مدارس می‌آمدند تا از دانش و تجربیات اسلامی بهره‌مند شوند. علاوه بر این، مدارس اسلامی تأثیرات بزرگی بر هنر و معماری دیگر جوامع داشتند. آثار هنری و معماری اسلامی که در این دوره ساخته شدند، تأثیرات گسترده‌ای بر هنر و معماری جهان داشتند و به عنوان نمونه‌های برجسته‌ای از هنر اسلامی به یاد مانده‌اند. همچنین، مدارس اسلامی به عنوان مراکزی برای ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی به شمار می‌رفتند و تأثیرات گسترده‌ای بر اخلاق و فرهنگ جوامع دیگر داشتند. می‌توان گفت که مدارس اسلامی در قرن ۹ تا ۱۵ تأثیرات گسترده‌ای بر دیگر جوامع داشتند و به عنوان مراکزی برای یادگیری دین، علوم و هنرهای مختلف شناخته می‌شدند که تأثیرات بزرگی بر آن‌ها داشتند.

بحث و نتیجه گیری

تجارب مدارس اسلامی در بازه زمانی قرن ۹ تا ۱۵ تأثیرات گسترده‌ای بر دیگر جوامع داشته است. این مدارس از لحاظ محتوا و رویکرد آموزشی متفاوتی داشتند که تأثیرات آنها به شیوه‌های مختلفی در جوامع اروپایی، آسیایی و آفریقایی مشهود بود. برای نمونه، در نجف، شهری مقدس شیعی که توسط حاکمان عمدتاً سنی عراق مورد غفلت قرار گرفته بود، دانش‌آموزان برای شناسایی هویت رسمی ملی از طریق آموزش‌ها و فعالیت‌هایی با محوریت مراسم و رژه‌های نظامی، انضباط بدنی، آموزش دیدند. (پلگرینی، ۲۰۲۳). تجارب مدارس اسلامی بر دیگر جوامع از نظر فرهنگی، علمی و اجتماعی تأثیرات مهمی داشت. به عنوان مثال، این مدارس با ارتقاء سطح دانش علمی و فرهنگی در جوامع اسلامی، تأثیرات فراوانی بر توسعه علم و فن آوری داشتند. همچنین، این مدارس با ارائه آموزش‌های مذهبی و اخلاقی، تأثیرات عمیقی در شکل‌دهی به ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی جوامع داشتند. تجارب مدارس اسلامی در بازه زمانی مذکور اثرات بزرگی بر دیگر جوامع داشتند و در جهت توسعه علم، فرهنگ و اخلاق در این جوامع تأثیرگذار بودند. در طول قرون ۹ تا ۱۵، مدارس اسلامی نقش مهمی در ترویج علوم و فرهنگ اسلامی ایفا کرده‌اند. این مدارس به عنوان مراکز تحصیلی، علمی و فرهنگی در جامعه‌های اسلامی و دوران‌های امپراتوری‌های اسلامی مورد توجه و استقبال بوده‌اند. یکی از نتایج مهم تجربیات مدارس اسلامی در این دوره، استفاده از منابع اسلامی و ترویج علوم اسلامی بوده است. مدارس اسلامی در این دوره نه تنها محیطی مطلوب برای آموزش دانش‌آموزان در رشته‌های علمی و عقیدتی بوده‌اند، بلکه وظیفه ترویج اصول و ارزش‌های اسلامی را نیز بر عهده داشته‌اند. همچنین، تأکید مدارس اسلامی بر تربیت و پرورش اخلاق و ارزش‌های اسلامی، از دیگر نتایج مهم تجربیات مدارس اسلامی این دوره است. این مراکز تحصیلی بر تفکرات اخلاقی و دینی و ترویج ارزش‌های انسانی تأکید داشتند و به عنوان مکان‌هایی برای آموزش دین و اخلاق، از اهمیت بالایی برخوردار بوده‌اند. مدارس اسلامی در این دوره‌ها تأثیر بسزایی بر گسترش آموزش و پرورش اسلامی داشته و نقش مهمی در انتقال علوم و فرهنگ اسلامی به نسل‌های آتی داشته‌اند. در مورد تجارب مدارس اسلامی در قرن ۹ تا ۱۵، می‌توان گفت که این دوره‌ی زمانی مهمی بود که مدارس اسلامی به رشد و شکوفایی خود رسیدند. در این دوره، مدارس اسلامی به عنوان مراکز آموزشی و فرهنگی بسیار مهمی شناخته می‌شدند و نقش بسیار مهمی در انتقال دانش و فرهنگ اسلامی داشتند. تجربه‌های مدارس اسلامی در این دوره نشان داد که این مدارس توانستند به توسعه‌ی علوم و دانش‌های مختلف مانند علوم ریاضی، علوم طبیعی، فلسفه و عرفان، ادبیات و هنر، زبان‌شناسی و علوم انسانی کمک بزرگی کنند. این مدارس همچنین به ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی نیز کمک بزرگی کردند. می‌توان گفت که تجربه‌های مدارس اسلامی در قرن ۹ تا ۱۵ نشان می‌دهد که این مدارس توانستند نقش بسیار مهمی در انتقال دانش و فرهنگ اسلامی، توسعه‌ی علوم و دانش‌های مختلف، و ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی ایفا کنند. این تجربه‌ها نشان می‌دهد که مدارس اسلامی در این دوره بسیار تأثیرگذار بودند و به توسعه‌ی جامعه و فرهنگ اسلامی بسیار کمک کردند.

فهرست منابع

۱. کلویه پلگرینی، (۲۰۲۳): «تمرکز بر تجربیات مدرسه در زمینه های عربی و مسلمان» ، Revue des mondes nationaux et de la Méditerranée، ۱۷-۲۴.
۲. هدی بدوی، (۲۰۰۶): چرا مدارس اسلامی؟ 232, Presses de l'Université Paris-Sorbonne, 2012, p.
۳. احمدی مقدم، ابوطالب، گلجان، مهدی، و یلفانی، رامین. (۱۴۰۰). نقش مدارس شیعی عصر صفویه در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی (با تاکید بر دو مدرسه خان شیراز و مدرسه چهار باغ اصفهان). پژوهش های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)، ۱۱(۴۱)، ۷-۳۰.
۴. ست، میشل، (۲۰۱۲) Barthélemy Dominique: (، اسلام در تقاطع تمدن های قرون وسطایی Presses de l'Université Paris-Sorbonne, 2012, 232 p.
۵. بوعلی، حسن، میشل، سوت و دومینیک، بارتلمی (۲۰۱۳)، اسلام در تقاطع تمدن های قرون وسطایی، ۱۵ مارس ۲۰۱۳، ۱۳۴، پست آنلاین در بررسی جهان اسلام و مدیترانه، «، Presses de l'Université Paris-Sorbonne, 2012, 232 p.
۶. توماس بریسون، (۲۰۰۹). «دانش دیگری؟ روشنفکران عرب دانشگاه پاریس (۱۹۵۵-۱۹۸۰): بازخوانی شرق شناسی فرانسوی بررسی جهان اسلام و مدیترانه. ۱۲۵ | ۲۰۰۹، ۲۵۵-۲۷۰.
۷. خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۹۱): مقدمه ای بر کتاب ابن خلدون، چاپ سیزدهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

An overview of Islamic schools in the 9th to 15th centuries

Farshad Ravand¹, Monib Nouri²

¹ Bachelor's degree student in Mathematics Education, Farhangian University, Shahid Madras Campus, Sanandaj, Kurdistan, Iran

² Bachelor's degree student in Mathematics Education, Farhangian University, Shahid Madras Campus, Sanandaj, Kurdistan, Iran

Abstract

Regarding the experiences of Islamic schools in the 9th to 15th centuries of AH, Islamic schools played a very important role as educational and cultural centers in Islamic societies. These schools were known as centers for teaching religious sciences, philosophical sciences, and practical sciences such as accounting, medicine, and various techniques and industries. In the early 9th century AH, Islamic schools were formed as formal educational and research institutions. These schools were supported by Islamic empires and governments, and scholars and students from all parts of the Islamic world migrated to these schools. During the 9th to 15th centuries of AH, Islamic schools became centers for translation, research and teaching of various sciences such as Quranic sciences, hadith, jurisprudence, theology, philosophy, natural sciences and mathematics. These schools were able to obtain the most valuable cultural and scientific works at their peak and in a way, they are considered the intellectual property of this era. Islamic schools played a very important role in the preservation and expansion of Islamic knowledge and culture in the 9th to 15th centuries AH and were known as centers for the exchange of knowledge and culture in the Islamic world. The present article aims to evaluate the experiences gained by Islamic schools in this period of time with an analytical view.

Keywords: school experiences, promoting techniques, educational centers, Islamic schools.
